

تحلیل جغرافیایی بحران اخیر خلیج فارس

محمدرضا حافظ نیا



بحران کنونی خلیج فارس که با حمله ناگهانی و برق‌آسای ارتش عراق به خاک کشور کوچک کویت پیوست، توجیه جهانیان را بخود جلب نمود. علت این جلب توجه وابستگی مستقیم و غیرمستقیم زندگی مردم جهان بویژه در کشورهای صنعتی غرب و جهان سوم به نفت خلیج فارس است که حدود ۶۵٪ ذخیره، نفت و انرژی غالب جهان کنونی را در خود جای داده. و نقش قلب تپنده جهان را در حال حاضر بازی می‌کند. بهمین دلیل خلیج فارس دارای اهمیت استراتژیک ویژه بوده و بدلیل استراتژیک بودن هر حادثه‌ای که در آن بوقوع پیوندد بر کل جهان اثر میگذارد، چرا که یکی از خصلتهای نقاط و مناطق جغرافیایی استراتژیک همین خصلت جهانشمول بودن آن است.

از آنجائی که منشأ جغرافیائی بحران کنونی خلیج فارس میرهن می‌باشد. بنابراین در این مقاله سعی میشود ماهیت جغرافیائی بحران مورد بررسی قرار گیرد.

قبل از ورود به بحث لازم است - بطور مختصر - اهمیت و نقش دریاها در زندگی حال و آینده بشریت و نیز تعریف وضعیت کشورها در ارتباط با دریا بیان شود تا رابطه بین وضع

کشورها با آب و تأثیر آن بر سیاست خارجی و استراتژی آنها مشخص گردد.

اهمیت و نقش دریاها در زندگی بشریت

دریاها امروزه نقش تعیین کننده‌ای بر سرنوشت انسانها دارند و علاوه بر ذخایر عظیم کف دریا و اقیانوسها و نیز مواد پروتئینی آنها، حدود ۹۰٪ حمل و نقل کالا و مواد از طریق راههای دریائی و ناوگان حمل و نقل دریائی صورت می‌پذیرد و عرصه اقیانوسها و دریاهاى باز و نیم بسته و خلیجها و بندرگاهها بصورت شبکه عظیمی از ارتباطات بازرگانی و حمل و نقل بین کشورهای مختلف جهان در آمده است و هر چه زمان میگذرد، کشورها به یکدیگر بیشتر نیازمند شده و روابط تجاری و بازرگانی از حجم و ابعاد وسیعتری برخوردار گردیده و طبعاً شبکه حمل و نقل دریائی از اهمیت بیشتری برخوردار میشود. اتخاذ سیاست محاصره دریائی علیه کشورها متحمله عراق، توسط قدرتهای دریائی بویژه آمریکای جهانخواار ناشی از اهمیت وابستگی شدید زندگی و حیات کشورها به شبکه‌های حمل و نقل دریائی است و بیکارگیری این سلاح برای

تنبیه و مجازات کشور متخاصم کارسازتر از سلاحهای دیگر بوده و روز بروز اهمیت این سلاح بیشتر میشود و در آینده نیز قدرتهائی که بتوانند کشورهای متخاصم را در محاصره دریائی قرار دهند، موفق تر خواهند بود.

اهمیت روزافزون حمل و نقل دریائی و لزوم حفظ امنیت آن از طرفی و لزوم دفاع از سرزمین و تمامیت ارضی کشورهای ساحلی از طرف دیگر منشاء شکل گیری نیروی دریائی کشورها بعنوان بخش مکمل نیروی دفاعی آنها میباشد.

بنابراین یک سیستم دفاعی زمانی موفق عمل خواهد کرد که سه نیروی زمینی، هوایی، دریائی و حشی موشکی آن متوازن بوده و هماهنگ عمل نماید و اگر یکی از آنها ضعیف و ناموزون باشد، طبیعی است که سیستم دفاعی کشور خوب عمل نخواهد کرد. حال به ذکر این نکته پرداخته میشود که کشورهای جهان از حیث ارتباط با بدنه‌های آب گره زمین به سه دسته کلی تقسیم میشوند دسته اول آنهایی هستند که دارای وضعیت جغرافیایی بسیار خوب بوده و

براحتی با بدنه‌های آب آزاد جهان ارتباط دارند مانند آمریکا، انگلیس، ژاپن و غیره. ناگفته نماند که کشور ایران نیز در این دسته قرار دارد. دسته دوم آنهاییکه دارای وضعیت جغرافیائی نامساعد بوده و از حیث ارتباط با آبهای آزاد جهان محدودیت دارند مانند شوروی، عراق و غیره. دسته سوم آنهاییکه دارای وضعیت جغرافیائی بدی هستند و هیچ گونه ارتباطی نه با آب آزاد و نه با آبهای غیرآزاد دارند مانند

افغانستان و مغولستان و غیره. با توجه به تقسیم بندی مزبور، از پنج همسایه کشور ایران سه همسایه با در وضعیت نامساعد و یا وضعیت بد جغرافیائی قرار گرفته‌اند. شوروی، عراق، افغانستان طبیعی است که آنها یکی از

زمینه‌های بالقوه تولید بحران برای همسایگان خود میباشند و کشور ایران نیز در استراتژی ملی خود بعنوان یکی از عوامل آفرینش بحران می‌بایست به آن توجه داشته باشد.

پاسدار اسلام، سال نهم / ۱۳۸۶

منشأ بحران چیست؟

از آنجائیکه موضوع بحث مقاله، بحران کنونی خلیج فارس است لذا ادامه مطلب به آنجا موقوف میشود. با توجه به اهمیت نقش دریاها در زندگی امروز و فردای کشورهای و با توجه به وضعیت جغرافیائی نامساعد کشور عراق، مطلب روشن میشود که منشأ بحران چیست؟ عراق کشوری است که در منطقه خلیج فارس کمترین ساحل را در میان کشورهای ساحلی خلیج فارس دارد و ارتباط آن با آبهای آزاد خلیج فارس (آب آزاد بنابر تعریف حقوق بین الملل دریاها) از طریق باریکه ای به عرض حدود ۱۰ مایل دریائی (قریب به ۱۹ کیلومتر) انجام می پذیرد و از آنجائیکه خلیج فارس کلاً بعنوان فلات قاره شناخته شده و مطابق مقررات و ضوابط حقوق بین الملل دریاها دقیقاً مرزهای تعیین شده و قلمروهای حاکمیت مشخص برای دول ساحلی آن وجود دارد بنابراین امکان آزادی عمل نامحدود برای دولت عراق وجود ندارد.

نظر میرسد عراق در استراتژی ملی خود، حل این معضل را بعنوان یک هدف آرمانی در نظر گرفته است و سیاست اجرائی خود را برای تحقق این استراتژی از طریق تقویت نیروی نظامی و دارا شدن قدرت نظامی بر تدریج منطقه گزینش نموده است و لذا تمام هم خود را بر گسترش و تقویت ارتش قرار داده است بطوریکه امروزه عراق ارتشی با حدود یک میلیون نفر نیروی فعال و حدود ۸۵۰ هزار نفر نیروی ذخیره تشکیل داده که از حیث کمیّت قوی ترین ارتش در منطقه خاورمیانه است. بهم زدن این قدرت نظامی بطور طبیعی زمامداران عراق را به این باور سوق می دهد که عراق باید از این فرصت استفاده نموده هم مشکل جغرافیائی خود را حل نماید و هم بدنیال اهداف جغرافیائی دیگری بوده تا موازنه ژئوپلیتیکی منطقه را بنفع خود تغییر دهد (فقتنا - نفت و ثروت) و بصورت یک ابرقدرت منطقه ای در خاورمیانه ظاهر شود بویژه با اینکه

بعنوان قمریکی از قدرتهای کنونی جهان یعنی شوروی در منطقه حساس جهان یعنی خلیج فارس، از حمایتها و تشویقات آن نیز برخوردار میباشد. عراق برای رسیدن به اهداف مورد نظر به مناطق حساس مجاور خود در حاشیه خلیج فارس چشم دوخته است. منطقه جغرافیائی بسیار حساس خوزستان ایران و منطقه جغرافیائی کویت، این دو منطقه از حیث ارزشهای استراتژیکی و ژئوپلیتیکی تقریباً مشابه هم میباشند.

چرا ده سال پیش عراق به کویت هجوم نکرد؟

عراق در دهسال پیش استراتژی خود را به اجرا گذاشت و تهاجم به ایران را آغاز نمود. علت اینکه عراق در آنزمان کویت را انتخاب نکرد شرایطی بود که برای تهاجم به ایران برای عراق آماده بود که عمده ترین آنها عبارتند از:

- ۱- تضاد و نخاصمی که اساساً با انقلاب اسلامی داشت و احساس خطری که از سوی آن می نمود و لذا حکومت بعث عراق، سمت تهدید را ایران اسلامی دانسته و به زعم خود میتوانست قبل از استقرار کامل حکومت انقلابی در ایران آنرا از پای در آورد.

۲- عدم آمادگی نیروی دفاعی ایران برای مقابله با تهاجم عراق در شرایط خاص دوران انقلاب.

۳- وجود زمینه آماده در مناسبات بین المللی جهت تأیید و حمایت از تهاجم عراق به ایران و از پای در آوردن انقلاب اسلامی.

۴- استفاده از زمینه های آماده منطقه ای و جلب حمایتهای کشورهای عربی از طریق جلوه دادن تهاجم خود، بعنوان جنگ عرب و عجم.

۵- تصور نبود چسبندگی بین مردم عرب زبان خوزستان ایران با بدنه کشور ایران، و برعکس تصور وجود جدائی گزینی از ایران و چسبندگی با اعراب سرزمینهای مجاور.

۶- تلقی ایران بعنوان تنها قدرت منطقه ای خاورمیانه و خلیج فارس که قادر به رقابت با عراق

بوده و مانع از ابرقدرت منطقه ای شدن عراق میباشد و تصور اینکه زمان بنفع عراق است و نباید فرصت را از دست داد.

بعلاوه اینکه کویت نه تنها رقیب منطقه ای عراق نبود بلکه دوست و یاور عراق بوده و از آن کشور حساب می برد و عبارتی بطور غیررسمی کویت تحت نفوذ عراق قرار داشت و هر زمان که میخواست با استفاده از رقابت مابین قدرتهای استکباری بر سر خلیج فارس استفاده کرده و کویت را در کنترل خود میگرفت.

عراق از اشغال کویت چه بهره ای می برد؟

دولت بعث عراق پس از تهاجم به ایران و گرفتار آمدن در پیامدهای تهاجم خود و سرخورده شدن از حل مشکل خود از طریق ایران، به سوی همسایه دیگرش چشم دوخت و با طرح ضابطه و ادعای تاریخی، کویت را در فاصله چند ساعت اشغال و ضمیمه کشور عراق نمود.

اتضمام کویت به عراق همان ارزشهای ژئوپلیتیکی و استراتژیکی که از خوزستان ایران انتظار است را به همراه دارد. یعنی با فرض نبود حساسیتهای بین المللی علیه عراق، با در اختیار داشتن کویت که پنجمین کشور خلیج فارس از حیث طول ساحل است، عراق هم از حیث ژئوپلیتیکی و هم از حیث ژئواستراتژیکی امتیازات متعددی را کسب می نماید. از جهت ژئوپلیتیکی، اولاً ذخایر کویت بعنوان دومین مخزن نفتی خلیج فارس که خود ۶۵٪ ذخیره کل جهان را دارد در اختیار عراق قرار گرفته و بدین ترتیب عراق دومین قدرت نفتی خلیج فارس شد، و با توجه به خصلتهای دولت عراق در سیاست خارجی، کنترل اوپک را نیز در دست خواهد گرفت و ثانیاً ثروتهای عظیم و دلارهای ذخیره شده کویت به کمک اقتصاد ملی عراق آمده و بخش عمده ای از تنگناهای اقتصادی موجود حل شده و پشتوانه خوبی برای توسعه

حضرت امام فقط در اوقاتی که بیمار بودند و پزشکان اجازه نمی دادند حمام نمی رفتند و یک بار که دو جمعه متوالی به حمام نرفته بودند، با سؤال از پزشکها بی صبرانه منتظر بودند که بتوانند به حمام بروند ولی با این حال لباسهایشان را طبق برنامه معمول عوض می کردند. حضرت امام علیبرغم سادگی در لباس و زندگی در اوج نظافت و پاکیزگی بودند لباسهایشان همیشه پاکیزه و تمیز بود. هیچگاه در کف جورابهایشان اثری از کدورت چرک دیده نمی شد و با اینکه تمام محیط



زندگی و فرشهای ساده شان تمیز بود ولی همواره با دم پائی روی فرش راه می رفتند. دم پائی هائی که سالهای سال کار کرده بود و بعضاً کف آنها سائیده و ترکهای زیاد خورده بود که در تصویر ذیل یکی از دمپائیهای امام را ملاحظه می فرمائید.

همیشه محیط زندگی حضرت امام و اطاق کار و محل عبادت و خواب آن حضرت از نظافت و پاکیزگی می درخشید و فضای پرمطراوتش از بوی دل انگیز عطرهای بسیار خوشبو آکنده بود و به عبارت روشن علیبرغم اینکه حضرت امام نمونه کامل ساده زیستی و قناعت و صرفه جوئی در استفاده از امکانات زندگی بودند ولی در زمینه نظافت و پاکیزگی و استفاده از بهترین عطرها در حد کمال، مقید بودند که این هم منطبق با آداب و سنن اسلامی است و نظافت و مهارت ظاهری لازمه و مقدمه تهذیب و مهارت معنوی است زیرا انسانهایی که در صمیم جانهای شمیم ایمان و رایحه جنت رضوان دارند در خوشبوئی جسم سزاوارترند. دوستان امام از دور و نزدیک انواع عطرهای خارجی و داخلی را به محضرشان اهداء می کردند و امام تنها در این زمینه بود که با ذوق سرشار و زیباپسند خود بهترین ها را انتخاب می فرمودند تا آنجا که بعضی از اصحاب دفتر نیز مقید بودند که به هنگام تشرف از همان عطرهای استفاده کنند که برای امام خوشایند بود.

بقیه از تحلیل جغرافیایی

اقتصادی اجتماعی عراق و بویژه تقویت قدرت نظامی آن خواهد بود.

از حیث ژئواستراتژیک، اولاً، فضای جغرافیایی بسیار خوبی در رأس خلیج فارس در اختیار عراق قرار گرفته و امکان گسترش نیروی زمینی را در حاشیه خلیج فارس پیدا خواهد نمود. نایباً با حضور در مجاورت معازن نفتی عربستان و امارات و قطر و بحرین بعنوان منبع انرژی جهان غرب، در دیپلماسی خارجی خود برای اهداف منطقه ای بهتر خواهد توانست از غرب و کشورهای عرب خلیج فارس امتیازات کسب نماید. ثالثاً، با در اختیار داشتن سواحل کویت و جزایر بویان و ورهبه وضعیت جغرافیایی عراق از رتبه هشتم که آخرین رتبه است به رتبه چهارم افزایش خواهد یافت و تماس آن کشور با بدنه آب آزاد خلیج فارس بیشتر شده و با وسعت فضای آبی امکان آزادی عمل و تحرک در خلیج فارس را بدست خواهد آورد.

نتیجه ای که از این افزایش فضای آبی عاید

میشود علاوه بر دسترسی به منابع کف دریا و نیز افزایش ذخایر پروتئینی عراق، ایجاد امکان برای توسعه نیروی دریایی عراق و تقویت این بخش از ارتش عراق است که نمی تواند در حال حاضر بعنوان مکمل خوبی در سیستم دفاعی و نظامی عراق نقش بازی کند. با تقویت نیروی دریایی ارتش عراق بعنوان پیامد افزایش فضای دریایی، عراق قادر به اظهار وجود مؤثری در عرصه آبهای خلیج فارس خواهد بود. ترکیب امتیازات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ناشی از تصرف کویت، تغییر ناگهانی موازنه ژئوپلیتیک منطقه و افزایش سریع قدرت ملی عراق در منطقه خاورمیانه و بویژه خلیج فارس میشود که با توجه به خصالت تجاوزطلبی عراق که نشئت گرفته از ساخت حکومتی و شرایط جغرافیایی نامساعد آن است، تهدید جدی برای کشورهای منطقه بویژه ایران خواهد بود.

اینجاست که هر چند حضور نظامی قدرت شیطانی آمریکا و جهان غرب در منطقه

خلیج فارس به بهانه مقابله با متجاوز، بجای خود محکوم و مذموم است و باید بهر شکل ممکن با آن برخورد شود ولی چون انضمام کویت به عراق نیز با مصالح و امنیت ملی کشورها در تعارض جدی میباشد می بایست هر تلاشی را برای خراج کامل عراق از کویت انجام داد زیرا بقای هر بخش از کویت در دست عراق بویژه جزایر بویان و ورهبه با توجه به خصالت تجاوزطلبی عراق، برای امنیت ملی و مصالح کشورها خطرناک است ولذا دولت جمهوری اسلامی ایران در شرایط دشواری قرار دارد و می بایست بسیار ظریف و دقیق و هوشیار با فضاها برخورد فعال نماید و بنظر میرسد موضع گیرهای رسمی دولت ایران تاکنون درست اتخاذ شده است.

در خاتمه ذکر این نکته ضروری است که به لحاظ اینکه بررسی و تحلیل فرضیات مربوط به حوادث منطقه خلیج فارس بویژه پیامدهای حضور نظامی آمریکا و غرب در آن، بحث مستقلی را طلب میکند از اشاره به آنها خودداری بعمل آمده.